

## بسم الله الرحمن الرحيم

### خلاصه خطبه جمعه مورخه ۲۸ فوریه ۲۰۲۰

سیدنا امیرالمومنین پنجمین خلیفه حضرت مسیح موعود علیه السلام بتاريخ ۲۸ فوریه ۲۰۲۰ در مسجد مبارک اسلام آباد تلفورد خطبه جمعه ایراد فرمودند که با ترجمه شده در زبان های مختلف بر ایم تی ای زنده پخش شد.

حضور انور فرمودند: از صحابی ای که امروز ذکر خیر می شود، اسمش حضرت مصعب بن عمیر است. وی از قریش و قبيله بنوعبدالدار بود. کنیه اش ابوعبدالله و همین طور ابو محمد هم بیان می شود. نام پدر حضرت مصعب، عمیر بن هاشم و نام مادرش خناس یا خناس بنت مالک است که یکی از خانم های پولدار مکه بود. والدین حضرت مصعب او را بسیار دوست داشتند؛ مادرش او را بسیار در ناز و نعمت بزرگ کرده بود، او بهترین لباس می پوشید و بهترین عطر می زد و کفش حصرمی می پوشید که در منطقه حصرموت ساخته می شد و فقط به پولداران اختصاص داشت؛ فقط آنها آن را از آنجا تهیه کرده و استفاده می کردند. نام همسر حضرت مصعب بن عمیر حمنه بنت جحش بود که خواهر همسر مطهر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه السلام، ام المومنین حضرت زینب بنت جحش بود، از حمنه بنت جحش یک دختر به نام زینب متولد شد. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم وقتی حضرت مصعب بن عمیر را یاد می کردند می فرمودند: من هیچ کسی را زیباتر از مصعب و در ناز و نعمت پرورده تر از او ندیدم.

حضرت مصعب بن عمیر یکی از اصحاب بزرگ بود که در اوایل اسلام آورده و از زمره «السابقون» بودند. حضرت مصعب در آن دوران ایمان آورد که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در دار ارقم تبلیغ می کردند، اما وی به سبب ترس از مخالفت مادر و قوم خود ایمان خود را مخفی نگهداشت و مدتی مخفیانه در خدمت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم حاضر می شد؛ اما سپس یک بار عثمان بن طلحه او را در حال نماز خواندن دید و از این ماجرا به خانواده و مادرش اطلاع داد. والدین او را حبس کردند و او تا پیدا کردن فرصت برای بیرون آمدن در حبس ماند و سپس به حبسه هجرت نمود. اندی بعد وقتی مهاجران حبسه به مکه بازگشتند، حضرت مصعب بن عمیر نیز شاملشان بود. مادرش وقتی این حالتش را دید، دیگر از مخالفت دست برداشت و پسر خود را به حالش واگذاشت.

حضرت مصعب بن عمیر توفیق یافت که دو بار هجرت کند، اول به طرف حبسه و سپس به مدینه. حضرت سعد بن ابی وقاص تعریف می کند که من حضرت مصعب بن عمر را هم در دوران رفاه و آسایش و هم پس از مسلمان شدن دیده ام؛ او به خاطر اسلام آنقدر رنج و سختی ها را تحمل کرده است که دیدم پوست بدنش مثل پوست اندازی مار از بین رفته و پوست جدید جای آن را گرفت. التفات بفرمایید که معیار فداکاری شان به این اندازه بود که واقعاً بسیار شگفت انگیز است. روزی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به همراه اصحاب خود نشسته بودند که حضرت مصعب تشریف آورد؛ آن زمان در لباس پیوند خورده اش، تکه های چرم هم پیوند زده شده بود. نگاه کنید کجا آن وضع بود که همواره لباس عالی می پوشید و کجا این که به سبب پذیرفتن اسلام لباس های پیوند خورده به تکه های چرمی می پوشید. صحابه وقتی حضرت مصعب را در این حالت نگاه کردند، نگاه خود را خم نمودند که آنها

نمی‌توانند هیچ کمکی به حال حضرت مصعب بکنند. حضرت مصعب پس از آمدن سلام کرد، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به او پاسخ دادند و از او بسیار به نحو احسن ستایش نمودند و سپس فرمودند: الحمدلله، [بگذارید] دنیا داران به دنیای خود برسند، من مصعب را در آن زمان هم دیدم که وقتی در شهر مکه هیچ کسی بیشتر از او صاحب ثروت و نعمت نبود و او عزیزترین اولاد والدین خود بود اما عشق خدا و پیامبرش او را به این حال رسانده است و او به خاطر خدا و جلب رضایش همه آن چیزها را رها کرده است.

از حضرت علی روایت نقل شده است که گفت: ما در کنار حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در مسجد نشسته بودیم که حضرت مصعب بن عمیر آمد و بر بدنش چادر پیوند خورده از چرم بود، زمانی که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم او را نگاه کردند به یاد زندگی‌اش پر از ناز و نعمت افتادند که قبلاً داشت و از دیدن وضع فعلی‌اش گریستند و سپس فرمودند: آن زمان چه حالی خواهید داشت وقتی یکی از شما در یک لباس صبح خواهد کرد و در هنگام غروب لباسی دیگر به تن خواهد داشت یعنی آنقدر رفاه و آسایش فراهم می‌شود که صبحگاه و شامگاه لباس خود را عوض می‌کنید و سپس افزودند: ظرف‌های غذا یکی پس از دیگری گذاشته می‌شود یعنی انواع غذاها پشت سر هم می‌آید چنانکه امروزه مرسوم است و روی خانه‌های خود چنانکه روی کعبه پرده کشیده می‌شود، پرده‌ها می‌کشید و پرده‌های بسیار گران‌قیمت به کار خواهید برد. دقیق منظره‌های وضع امروز است یا تصویری از رفاه و آسایشی است که بعداً به مسلمانان نایل آمد. صحابه عرض کردند: یا رسول الله صلی الله علیه و سلم، آیا آن زمان ما خیلی بهتر از امروز خواهیم بود چون برای عبادت وقت زیادی خواهیم داشت. یعنی چنانچه این طور رفاه خواهد بود در آن صورت برای عبادت وقت خالی زیاد خواهیم داشت و کاملاً از رنج و زحمت آزاد می‌شویم؟ حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: نخیر، بلکه امروزتان از آن ایام بهتر است. وضع و معیار عبادتتان امروز بسیار بهتر از آن افرادی است که رفاه و آسایش را پیدا می‌کنند.

حضرت میرزا بشیر احمد در کتاب سیرت خاتم النبیین درباره هجرت حبشه مطالبی نوشته است، بخشی از این مطالب را در ضمن ذکر خیر اصحاب دیگر بیان کرده‌ام ولی به طور فشرده در اینجا نیز بازگو می‌کنم: به دستور حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در ماه رجب سال پنجم نبوی یازده مرد و چهار زن به سوی حبشه مهاجرت کردند و حضرت مصعب بن عمیر رضی الله عنه نیز شاملشان بود. در هنگام اولین بیعت عقبه دوازده نفر با حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بیعت کردند و زمانی که اینان خواستند به مدینه برگردند، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم حضرت مصعب بن عمیر را به همراهشان فرستادند تا آنها را قرآن شریف آموزش دهد و تعالیم اسلامی را بیاموزد. در مدینه وی به نام‌های قاری و مقرئ معروف شد، مقرئ به معنی استاد است. در مدینه حضرت مصعب در منزل حضرت اسعد بن زراره اسکان نمود و مسئولیت امامت در نماز را به عهده گرفت. او مدتی در منزل حضرت اسعد بن زراره سکونت داشت ولی سپس به منزل حضرت سعد بن معاذ منتقل شد. حضرت براء بن عازب روایت می‌کند که از اصحاب مهاجر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم اولین کسانی که نزدما آمدند مصعب بن عمیر و ابن ام مکتوم بودند. این هر دو صحابی پس از رسیدن به مدینه شروع به تعلیم قرآن به ما کردند و سپس به ترتیب عمار رضی الله عنه و بلال رضی الله عنه و سعد رضی الله عنه آمدند و سپس حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه هم اصحابی را به همراه خود آورد و پس از آنها، حضرت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم تشریف آوردند. وی تعریف می‌کند که من هیچگاه اهل مدینه را به این اندازه خوشحال ندیدم که در هنگام ورود حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به مدینه شاد و خوشحال بودند. کودکان پسر و دختر هم شروع به گفتن کرده بودند که شما پیامبر خدایید و به اینجا تشریف آورده‌اید .

حضرت میرزا بشیر احمد در کتاب سیرت خاتم النبیین درباره حضرت مصعب بن عمیر تعریف می‌کند که افرادی که در دار ارقم ایمان آوردند، در زمره «سابقون» شمرده می‌شوند و از آنها شهرت بیشتری این افراد دارند: اول: مصعب بن عمیر رضی الله عنه که از بنوعبدالدار و بسیار خوشگل و زیبا و در خاندان خود بی‌نهایت عزیز و گرامی بود. این همان جوانی است که قبل از هجرت به عنوان اولین مبلغ به طرف یترب فرستاده شده بود و به دست او اسلام در مدینه گسترش پیدا کرد.

در یک کتاب سیره نوشته شده است که حضرت مصعب بن عمیر اولین فرد در مدینه بود که قبل از هجرت نماز جمعه را اقامه نمود. حضرت مصعب رضی الله عنه قبل از دومین بیعت عقبه از محضر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم اجازه خواندن نماز جمعه در مدینه خواست، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم اجازه آن را عطا فرمودند. آنگاه حضرت مصعب بن عمیر در مدینه اولین نماز جمعه در خانه حضرت سعد بن خیشمه اقامه نمود. در آن نماز دوازده نفر شرکت کردند و آن روز آنها گوسفندی را نیز ذبح کردند. حضرت مصعب بن عمیر اولین فردی در اسلام است که نماز جمعه را اقامه کرد. اما روایتی دیگر نیز وارد شده است که حضرت ابوعمامه اسعد بن زراره اولین کسی بود که در مدینه نماز جمعه را اقامه نمود. به هر حال، حضرت مصعب اولین مبلغ [اسلام] بود. وی به همراه حضرت اسعد بن زراره در محله‌های مختلف انصار برای تبلیغ می‌رفت و در اثر تبلیغش بسیاری از اصحاب به اسلام گرویده بودند و در بینشان صحابه کبار نیز بودند به طور مثال حضرت سعد بن معاذ، حضرت عباد بن بشر، حضرت محمد بن مسلمه، حضرت اسید بن حضیر و غیره در اثر تبلیغش مسلمان شده بودند. و سعد رضی الله عنه و اسید به دست خود بت‌های قبایله خویش را شکستند. ذکر خیر حضرت مصعب بن عمیر هنوز ادامه دارد بقیه‌اش ان شاء الله در خطبه آینده بازگو خواهیم کرد.

حضور پر نور در اواخر خطبه جمعه دو مرحومین را ذکر خیر کرده فرمود که ذکر خیر اول متعلق به جناب ملک منور احمد جاوید پسر جناب ملک مظفر احمد است که در ۲۲ فوریه در ۸۴ سالگی درگذشت. پدر بزرگ آقای ملک منور احمد جاوید، حضرت دکتر ظفر چودری بود و پدر بزرگ مادری‌اش، حضرت شیخ عبدالکریم بود که از غازی پور بخش گورداسپور بود و پدر بزرگ پدری‌اش از دهرم کوت رندهاوا بود. این هر دو بزرگش یعنی پدر بزرگ پدری و مادری‌اش به دست حضرت مسیح موعود علیه السلام بیعت کرده و شرف صحابی بودن را کسب نموده بودند.

وی خود را وقف کرد و حضرت خلیفه چهارم در ۱۸ اوت با وقف زندگی‌اش موافقت کردند. حضرت خلیفه چهارم در ۲۸ اوت ۱۹۸۳ اولین بار او را در وکالت صنعت و تجارت برگماشتند. از اول اکتبر ۱۹۸۳ وی در دفتر وکالت صنعت و تجارت حاضر شد. قبل از وقف وی شانزده سال در دبیرخانه دولت پنجاب کار کرد و پس از آن تقریباً ده سال تجارت شخصی داشت. در نوامبر ۱۹۸۳ مدیر مجله ریویو آف ریلیجن منصوب شد. در ۱۹۸۴م معاون ناظر ضیافت منصوب شد و از ۲۰ آوریل ۱۹۸۳ الی ژوئیه ۲۰۱۶ به عنوان معاون ناظر خدمات انجام داد. در ۱۹۹۰م وقتی کمیته کفالت صد یتیم تشکیل شد، وی اولین سکرتری آن منصوب شد و حدوداً

بیست سال به عنوان سکرتری توفیق خدمت پیدا کرد. در سازمان خدام الاحمدیه پاکستان از ۱۹۶۸ الی ۱۹۷۰م به عنوان قاید بخش و قاید ناحیه لاهور کار کرد و تقریباً ده سال خدمت نمود. در سازمان انصار الله از ۱۹۸۴ الی ۲۰۱۴م خدمت کرد و در این سی و یک سال به سمت‌های قاید تحریک جدید، قاید تربیت، قاید اشاعت خدمت کرد و پنج سال اخیر به عنوان معاون صدر سازمان انصار الله توفیق خدمت یافت. آقای ملک منور احمد جاوید استعداد عالی مدیریت داشت. در اثنای شب هم بلند می‌شد و از مهمان‌خانه بازدید می‌کرد و کارکنان را بررسی می‌نمود و طبق هوا برایشان تدارک چای و تخم‌مرغ‌ها را می‌دید. با کارکنان مهمان‌خانه بسیار رابطه پر از عطف و مهر و محبت و همدردی داشت. از خانواده هر کارکن باخبر می‌بود و در خفا تا حد ممکن به آنها کمک مالی می‌کرد. گاهی اوقات به سبب شلوغی مهمانان، بعضی افراد با مشکلات اسکان روبرو می‌شدند آنگاه بعضی از مهمانان جلوی همه و بعضی‌ها در دفترش آمده و برخی کلمات و جمله‌های تند را به او می‌گفتند اما مرحوم با خوش‌رویی تمام حرف‌هایشان را می‌شنید. حضور پر نور فرمودند که گاهی اوقات مهمانان هم برخورد خوبی ندارند به من هم شکایات می‌رسد که در مهمان‌خانه مسئولان اینطور و آن‌طور رفتار نمودند اما وقتی تحقیق بکنید معلوم می‌شود که مهمانان هم صبر و تحمل ندارند. درست است که مدیریت باید به آنها احترام بگذارد اما مهمانان هم باید اخلاق خوبی را از خود نشان دهند و زمانی که شرایط غیر عادی پیش بیاید با مدیریت همکاری کنند. به‌هرحال، آقای ملک حق وقف خود را ادا کرده است. زمانی که من ناظر اعلی بودم، آنگاه همزمان ناظر ضیافت هم بودم و وی معاون ناظر ضیافت بود و من مشاهده کردم که او در ارتباط با اموال جماعت بسیار حساس بود و از گفتن سخن حق هیچ ابایی نداشت؛ او باوجود این که معاون من بود، اما اگر در حق جماعت چیزی به نظرش بهتر رسید و من سخنی برخلاف آن گفته‌ام، بدون هیچ تردید مخالف نظر من مشورت می‌داد و می‌گفت: اگر این‌طور باشد بهتر است و همین یک ویژگی است که هر وقف زندگی باید دارا باشد که نظر خود را به رعایت ادب به درستی عنوان کند. به خلافت ارادت و ارتباط بسیار قوی داشت و اظهار آن از هر نامه‌اش به چشم می‌خورد و همین‌طور از هر ملاقات که دو بار با من داشت اظهار آن به عمل آمد. خدای تعالی با او به رحمت و مغفرت برخورد نماید و درجاتش را رفیع کند.

حضور پرنور فرمودند که نماز میت دوم متعلق به آقای پروفیسور منور شمیم پسر جناب شیخ محبوب عالم خالد است که در ۱۶ فوریه ۲۰۲۰ در ربوه در سن هشتاد و یک سالگی درگذشت. پدرش شیخ محبوب عالم خالد بود که اول در کالج معلم بود و سپس حضرت خلیفه سوم او را ناظر بیت المال برگماشتند و مدت مدیدی به عنوان ناظر بیت المال خدمت کرد و سپس حضرت خلیفه چهارم او را صدر صدر انجمن احمدیه منصوب نمودند.

آقای شمیم خالد پسر ارشد او بود. در سال ۱۹۶۴م حضرت خلیفه سوم زمانی که مدیر کالج و صدر صدر انجمن هم بودند، عقد منور شمیم خالد را در مسجد مبارک خوانده بودند و در آن زمان حضرت میرزا ناصر احمد خلیفه سوم این جمله را هم گفتند که پروفیسور منور شمیم که پسر دوست صمیمی‌ام پروفیسور محبوب عالم خالد است، به من همچون پسرانم عزیز است. حضرت خلیفه سوم با پدرش بسیار روابط عمیقی داشتند. در سازمان انصار الله پاکستان دوران خدماتش محیط بر بیست و هشت سال است. آقای منور شمیم احمد، صاحب اوصاف بسیاری بود، اولین ویژگی‌اش این بود که به خلیفه وقت بسیار محبت و عقیدت و اطاعت داشت و خطبه‌ها را بسیار به دقت گوش می‌کرد و سپس نکات زیادی از آن استنباط می‌کرد و پایبند به نماز و روزه و نماز شب و نماز جماعت

بود. در ارتباط با خدمت دین ویژگی‌های بارزش اخلاص و وفا و تلاش و زحمت بود. بسیار بی سر و صدا خدمت می‌کرد، بسیار انسان  
مهربان و خوش‌برخورد بود. از نظام خلافت و نظام جماعت بی‌نهایت اطاعت می‌کرد و پس از خلافت هم اظهار رابطه‌اش با من فوق  
العاده بود. خداوند متعال با او به رحمت و مغفرت برخورد نماید، در پای عزیزان خود جای دهد. حضور پر نور اعلام کرد که پس از  
نماز جمعه، من نماز میت غایب هر دو مرحومین را اقامه خواهم کرد.